



دوماهنامه بین‌المللی

د ۱۲، ش ۴ (پیاپی ۶۴) مهر و آبان ۱۴۰۰، صص ۴۳۹-۴۶۵

مقاله پژوهشی

DOR: 20.1001.1.23223081.1400.12.4.19.1

## تحلیل گفتمان «خودی» و «دیگری» در

### روزهای اهریمنی ایوان بونین

مرضیه یحیی‌پور<sup>۱\*</sup>، جان‌اله کریمی مطهر<sup>۲</sup>، گریگوری والرئویچ توکارف<sup>۳</sup>

۱. استاد زبان و ادبیات روسی دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. استاد زبان و ادبیات روسی دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۳. استاد زبان روسی دانشگاه دولتی تربیت معلم لف تالستوی تولا، تولا، روسیه.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۱۵

#### چکیده

روزهای اهریمنی ایوان بونین که حوادث دوره پس از انقلاب اکتبر روسیه در سال‌های ۱۹۱۸ و ۱۹۱۹ را دربرمی‌گیرد، دارای ویژگی‌های گفتمان ادبی، سیاسی، تاریخی، اجتماعی، جنایی، انتقادی و استنادی است و در قالب یادداشت‌های روزانه نوشته شده است. عناصر زبانی در روزهای اهریمنی از شرح‌حال نویسنده یعنی راوی، به‌منزله وقایع‌نگار، منتقد و توصیف‌گر رویدادها و ارتباطش با اقدار گوناگون مردم روسیه در دوره جنگ داخلی، سخن می‌گوید. از نظر نویسنده، انقلاب اکتبر به نابودی فرهنگ و به‌کارگیری واژه‌ها و عبارات ناهنجار در زبان روسی منجر شده است. بونین برای توصیف این دوره، از واژگان «اهریمنی، لعنتی و نفرین‌شده» و برای رهبر بلشویک‌ها القابی چون «حیوان» استفاده کرده است. در مقاله علاوه بر بررسی روند و تاریخچه چاپ روزهای اهریمنی و ژانر (نوع) آن، به نظرات نویسنده، منتقدان و صاحب‌نظران نیز درباره اثر و حوادث این سال‌ها و نتایج منفی انقلاب اکتبر در زبان و ادبیات روسی پرداخته می‌شود. بونین معتقد است انقلاب اکتبر سبب افول اخلاق مردم، زبان و ادبیات روسی و ناهنجاری‌های فرهنگی - اجتماعی شده است. از نظر او، بلشویک‌ها صدمات جبران‌ناپذیری به زبان روسی که نویسندگانی چون الکساندر پوشکین و لف تالستوی را تحویل جامعه داده بود، وارد کرده‌اند. علاوه بر آن در مقاله به گرایش برخی از نویسندگان (گورکی، بلوک، بریوسف، مایاکوفسکی) به انقلاب اکتبر که از نظر بونین عامل اصلی به‌کارگیری زبان و ادبیات ناهنجار در این دوره هستند، اشاره می‌شود. بر همین اساس واژگان و عبارات را در اثر می‌توان به «خودی» (غیرانقلابی) و «دیگری» (انقلابی) تفکیک کرد. با بررسی روزهای اهریمنی به این نتیجه

E-mail myahya@ut.ac.ir

\* نویسنده مسئول مقاله:

می‌رسیم که واژگان در زبان «خودی» مظهر معنویت، شفافیت، آرامش و نظم است، ولی در زبان «دیگری»، دارای ترکیب‌های معنایی منفی؛ مانند انحلال، فروپاشی، انحطاط، تخریب، قانون‌شکنی، تاریکی، مرگ، غیرانسانی، دروغ، مسخرگی، حماقت و غیره هستند و جایگاه نخست را در زبان انقلاب به‌خود اختصاص می‌دهند.

**واژه‌های کلیدی:** روزهای اهریمنی، ایوان بونین، انقلاب اکتبر، زبان و ادبیات هنجارشکن، «خودی» و «دیگری».

### ۱. مقدمه

ایوان الکسی یویچ بونین<sup>۱</sup> (۱۸۷۰-۱۹۵۳)، نویسنده، شاعر، سیاح و مترجم نامدار سده بیستم روسیه است. گرچه او خود را بیشتر شاعر می‌داند تا نویسنده، ولی خالق آثار ارزنده‌ای به نثر نیز است. تبحر او تنها در شعر نبود، رمان *زندگی آرسنیف*<sup>۲</sup> (۱۹۲۷-۱۹۳۳) با شهرت جهانی، موفق به دریافت جایزه نوبل ادبیات در سال ۱۹۳۳ شد. وی نخستین نویسنده روس بود که موفق به دریافت این جایزه شد. البته او پیش از این، چندین بار جایزه ادبی پوشکین در روسیه را نیز از آن خود کرده بود.

*روزهای اهریمنی*<sup>۳</sup> ایوان بونین که موضوع مقاله است، درباره دوره بعد از گذر از حکومت تزاری به کمونیستی است. گفتمان غالب، آهنگ اصلی و واژگان آن ملال‌انگیز است. *روزهای اهریمنی* فقط از دردها و رنج‌های نویسنده که راوی اثر نیز است نمی‌گوید، بلکه از ظلم‌هایی سخن می‌گوید که بر کشور روسیه، ملت آن، زبان و ادبیات روسی وارد شد. *روزهای اهریمنی* با این عبارت آغاز می‌شود: «این سال لعنتی به اتمام رسید، اما در ادامه چه خواهد شد؟ شاید چیز بدتری اتفاق بیفتد. احتمالاً همین‌طور است» (بونین، ۲۰۰۴، ترجمه یحیی پور و محبوب‌زاده، ۱۴۰۰، ص. ۲۱). بونین زبان روزنامه‌ها و ادبیات این‌دوره را در مقایسه با گذشته نازل، هنجارشکن و کوچه‌و بازار می‌خواند. او زبان و گفتار موافقان و مخالفان انقلاب اکتبر را در واقع به «خودی» و «دیگری» تقسیم کرد. وی نشان داد زبان «خودی» فاخر و زبان «دیگری» نازل است.

## ۲. پیشینه پژوهش

درباره روزهای اهریمنی پژوهش‌هایی توسط بونین‌شناسان معاصر روسیه، صورت گرفته است که از جمله آن‌ها می‌توان به «روزهای اهریمنی: بونین پرشور»، و.پ. کوچتف<sup>۴</sup> (1990)؛ «روزهای اهریمنی ایوان بونین»، آگ میخائیلوف<sup>۵</sup> (1991)؛ «درباره بونین»، ایگور ایلینسکی<sup>۶</sup> (2009)؛ «روزهای اهریمنی ایوان بونین: بررسی متن اثر»، سرگئی ماروزف<sup>۷</sup> (2012)؛ «ویژگی‌های کاری ایوان بونین با حقایق»، آنتون باکونتسفس<sup>۸</sup> (2013)؛ «روزهای اهریمنی ایوان بونین: متن اثر»، یوگنی پاناماریوف<sup>۹</sup> (2019) و غیره اشاره کرد که عمدتاً به ساختار ظاهری و تعیین ژانر آن و بسیار اندک به زبان اثر پرداختند. در مقاله حاضر تلاش شده است برای درک بهتر زبان اثر، علاوه بر مباحث مورد مناقشه در آن، اشاره‌ای کوتاه به تاریخچه نگارش، عناصر طبیعت، ساختار ظاهری و ژانر آن که از عوامل اثرگذار بر شکل‌گیری زبان و ادبیات روسی این دوره از تاریخ روسیه است، اشاره شود. همچنین به نحوه به‌کارگیری واژه‌های «خودی» و «دیگری» و معانی آن‌ها توسط ایوان بونین از جنبه‌های گوناگون پرداخته شود.

## ۳. چاپ روزهای اهریمنی

باتوجه به مهاجرت نویسنده (۱۹۲۰) و محتوای روزهای اهریمنی، چاپ آن در خارج از روسیه صورت گرفت. بخش‌هایی از روزهای اهریمنی طی سال‌های ۱۹۲۵ تا ۱۹۲۷ در روزنامه مهاجر روسی با عنوان رستاخیز<sup>۱۰</sup> در فرانسه و سپس در اکتبر سال ۱۹۳۵ به شکل کامل در قالب مجموعه آثار در انتشارات پتروپولیس<sup>۱۱</sup> در شهر برلین آلمان به چاپ رسید. البته در سرهای چاپ اثر در خارج از کشور نارضایتی نویسنده را به دنبال داشت. سی ژوئیه ۱۹۳۵ بونین به کاپلان<sup>۱۲</sup> (ناشر) در خصوص جلد (دهم) جدید روزهای اهریمنی از مجموعه آثار نوشت:

دیروز کتاب آثار منتشر نشده را به برلین فرستادم. درخواست دارم و مصرم: دقیقاً مطابق شرایط ما چاپ کنید. شما واقعاً عذابم دادید: همان جلدی که در حال حاضر منتشر می‌شود، باز، باز هم دارد برخلاف شرایط، منتشر می‌شود! حداقل آخری را که دیروز ارسال کردم، زودتر چاپ کنید. برای شما هم بهتر است: چاپ نخست (Morozov, 2017, c. 262).

در اتحاد شوروی چاپ روزهای اهریمنی ممنوع بود، ولی بعد از فروپاشی، اجازه چاپ به کتاب داده شد.

بونین نویسنده خاطرات و تاریخ‌نگار با چیرگی تمام با بهره‌گیری از واژگان و ژانر خاص توانست پساروزهای انقلاب اکتبر روسیه را با شگفتی فراوان به‌تصویر بکشد؛ انقلابی که باعث مهاجرت ناخواسته او و بسیاری از متفکران روسی به آمریکا و اروپا شد. از نظر بونین «انقلاب اکتبر و جنگ یک جنبه بیشتر ندارد: قتل عام اسرا، اذیت و آزار اسرای نظامی، تفتیش، تعقیب، دستگیری و...» (یحیی پور، ۱۳۹۹، ص. ۸). رامان گول<sup>۱۳</sup>، نویسنده مهاجر روس، در اثری با عنوان من روسیه را با خود بردم<sup>۱۴</sup>، نظر بونین درباره انقلاب اکتبر را با نظر ساشا چورنی<sup>۱۵</sup> (۱۹۳۲-۱۸۸۰)، شاعر، نویسنده، روزنامه‌نگار مهاجر روسی چنین مقایسه می‌کند: موضع سازش‌ناپذیر بونین در رابطه با بلشویسم باعث افزایش اقتدار او در نگاه ساشا چورنی شده است. حتی معاصران به شباهت دیدگاه‌های سیاسی آن دو اشاره کرده‌اند: «نفرت شدید از بلشویسم در وجود ساشا چورنی بود. آیا چنین نفرتی در زمان نوشتن روزهای اهریمنی در بونین هم وجود داشت؟ به‌نظر می‌رسد در بونین آن‌قدر شدید نبود (Гуль, Т. I, 1981, c. 46).

#### ۴. ژانر روزهای اهریمنی

با نگاهی سطحی به شکل ظاهری، نخستین برداشت این است که روزهای اهریمنی در قالب یادداشت‌های روزانه نوشته شده است. ولی قابل تأمل است که بدانیم تا به امروز بحث‌ها و نظرات زیادی درباره ژانر (نوع) آن مطرح شده است و نظرات گوناگون بونین‌شناسان و منتقدان در این باره همچنان جاری و ساری است.

بونین نویسنده رمان، داستان، خاطرات، یادداشت‌های روزانه و اثری مانند روزهای اهریمنی است که تعیین ژانر آن تا به امروز در محافل ادبی بحث‌برانگیز است. در روزهای اهریمنی، علاوه بر یادداشت‌های روزانه نویسنده به‌منزله شاهد عینی رویدادهای پس از انقلاب، یعنی در زمان جنگ داخلی میان ارتش سرخ و سفید، خواننده با نقل‌قول‌هایی از وقایع مستند از زبان نه‌تنها نویسنده، بلکه افراد گوناگون و همچنین گفت‌وگو میان نویسنده اثر و دیگر شاهدان درباره حقایق، مناظرات افراد در خیابان یا سایر مکان‌ها و گاهی شایعات،

مواجه است. علاوه بر همه این‌ها، نویسنده از روزنامه‌هایی مانند روسکیه و داماستی<sup>۱۶</sup> / اخبار روسیه؛ ولاست نارودا<sup>۱۷</sup> / حکومت خلق؛ «روسکایا میسل»<sup>۱۸</sup> / اندیشه روسی؛ ایزوستیا<sup>۱۹</sup> / اطلاعات؛ و غیره اخباری دربارهٔ رخدادها پس از انقلاب در دو پایتخت (مسکو و سن پترزبورگ) و سایر شهرها مانند اودسا<sup>۲۰</sup> آورده است که تحلیل واژگان آن‌ها در نشان دادن شرایط اجتماعی آن دوران بسیار بااهمیت است.

بنابه اظهار آنتون باکونتسف، روزهای /هریمنی یکی از پیچیده‌ترین آثار ایوان بونین از نظر ادبی است. تا به امروز بحث دربارهٔ ژانر آن همچنان ادامه دارد: کریژیتسکی<sup>۲۱</sup> (1974)، کوچتف (1990) و پریموچکینا<sup>۲۲</sup> (2003) ژانر آن را «دفتر یادداشت»، و صاحب‌نظرانی هم مانند مالتسو<sup>۲۳</sup> (1994)، «یادداشت‌های روزانه»، میخائیلوف (1991) و اِبرت<sup>۲۴</sup> (1996) «دفتر یادداشت ادبی»؛ اُشار<sup>۲۵</sup> (1996) و گی اورگیفسکی<sup>۲۶</sup> (1999)، «اثر ادبی»؛ میخائیلوف (1991) «کتاب ادبیات سیاسی و اجتماعی»؛ کلینگ<sup>۲۷</sup> (2003)، «سند عصر»؛ خیونتسش<sup>۲۸</sup> (2010) «بریده‌ها»، «وقایع‌نگاری ادبی» نامیدند. از نظر باکونتسف هر یک از این تعاریف یک نقص دارند، چراکه جامع نیستند. او معتقد است که د. رینیکر<sup>۲۹</sup>، بونین‌شناس آلمانی، عنوان پذیرفتنی‌تری را ارائه کرده است، چراکه او ژانر روزهای /هریمنی را ژانری «ترکیبی» می‌نامد که دارای ویژگی‌های ادبیات سیاسی - اجتماعی، استنادی و ادبی است (Bakuncev, 2013, 22-23). از نظر سرگئی ماروژف دیگر بونین‌شناس معاصر روسی، ژانر اثر را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: روزهای /هریمنی اثری ادبی - انتقادی و همچنین ادبی - سیاسی و اجتماعی است که در قالب یادداشت‌های روزانه نوشته شده است (Mорозов, 2019). از نظر ما نظر ماروژف جامع‌ترین تعریف است. شاید بتوان به نظر او افزود که روزهای /هریمنی نوعی روزنگار نیز است که ایوان بونین براساس شرح‌حال خود، رویدادهای پسانقلاب اکتبر ۱۹۱۷ را به‌رشتهٔ تحریر درآورده است. به اعتقاد یوگنی پاناماریوف متن اثر لایه‌لایه است. بونین تلاش نکرد تا به نثر مستند مطلق و صرف بپردازد. مطالب و مباحث مستند در داستان آن است، روشی که این امکان را می‌دهد تا تخیلات هنری و حقیقت زندگی با هم به‌بهترین شکل ممکن، تلفیق شوند. متن اثر برداشت‌های مستقیم نویسنده از زندگی است که با استفاده از دفتر یادداشت و سلسله‌ای از ژانرها به‌سوی اثری حماسی سوق داده می‌شود (Пономарёв, 2019, с. 202).

این بحث و جدل دربارهٔ ژانر *روزهای اهریمنی* بونین، یادآور سخنان بزرگ علوی دربارهٔ روایت او است که چنین آغاز می‌شود: «آنچه از نظر خوانندگان می‌گذرد، نه قصه است نه رمان. هیچ‌گونه حادثهٔ غریب و عجیبی در آن وجود ندارد. حکایت نیست؛ روایت است. سرگذشت نیست؛ تاریخچهٔ دورانی است که از روی نواری دربارهٔ رویدادهای زندگی انسانی رنج‌کشیده نقل شده است» (علوی، ۱۳۷۷، صص. ۸-۷). اما قهرمان‌های *روزهای اهریمنی* بونین همه واقعی و خواننده همچنین شاهد رویدادهای واقعی در دورهٔ بعد از گذر است. انسان رنج‌کشیده در اثر، نویسنده و ملت روسیه است.

بونین در *روزهای اهریمنی* احساسات ناخوشایند خود را نسبت به بیماری مهلکی که مردم روسیه دچار آن شده نشان داده است. افول معنویت و زبان مردم ناشی از این بیماری است؛ البته این ژانر به بونین کمک کرد تا نظر خود را دربارهٔ حوادث پیش‌آمده در روسیه، بلشویک‌ها و انقلاب، بهتر و زیباتر به زبان آورد. احساسات ناخوشایند خود را نسبت به وطن از دست‌رفته بیان کند و برای نجات آن قلم به دست بگیرد، به امید اینکه بیماری وحشتناکی را که به جامعه صدمه رسانده و عامل افول معنویت، وجدان، ایمان و زبان است نشان دهد (Яхьяпур и др., 2017, с. 139).

##### ۵. رویدادهای سال‌های ۱۹۱۸ و ۱۹۱۹ در *روزهای اهریمنی*

*روزهای اهریمنی* به روزهای لعنتی، نفرین‌شده و اهریمنی اشاره دارد. این روزها از نظر نویسنده سیاه‌ترین روزهای حیات روسیه است، ولی مردم بی‌جهت شاد بودند: «اطراف من، چیزهای شگفت‌انگیزی هست؛ تقریباً همه به دلایلی غیرمعمول خوشحال‌اند، هرکسی را که در خیابان می‌بینی، چهره‌ای شاد و خندان دارد» (بونین، ۲۰۰۴، ترجمهٔ یحیی پور و محبوب‌زاده، ۱۴۰۰، ص. ۲۱)، اما صفت به‌کار رفته در عنوان اثر احساس نوعی عدم رضایت را بیان می‌کند و طبیعی است ماجراهای آن نباید چندان دلپذیر باشند. «بسیاری از پیش‌بینی‌ها و هراس‌های بونین به‌شکل نادری، آگاهانه بودند. در سال‌های انقلاب و جنگ داخلی، تشویش‌های پرمخاطرهٔ او وارد اثری با عنوانی فصیح، یعنی *روزهای اهریمنی* شده است» (Колобаева, 2000, с. 49).

بونین برای تبادل افکار و نشان دادن پویایی و زنده بودن حوادث بخش‌هایی از اثر را

به شکل گفت‌وگو نوشته شده است.

روزهای اهریمنی از دو قسمت تشکیل شده است: مسکو، سال ۱۹۱۸ و اودسا، سال ۱۹۱۹. وقایع مسکو از تاریخ اول ژانویه تا بیست و چهارم مارس ۱۹۱۸ را دربرمی‌گیرد. در اثر تمام تاریخ‌ها براساس میلادی قدیم (گاه‌شمار ژولینی)<sup>۳۰</sup> آمده است.

اولین یادداشت در بخش اول، مربوط به اول ژانویه ۱۹۱۸ است که بونین از سالی که گذشت به منزله «سال نفرین‌شده» یاد می‌کند و در انتظار آینده‌ای تلخ و تاریک به سر می‌برد. او با لحنی تمسخرآمیز از تقویم میلادی جدید (گاه‌شمار گریگوری)<sup>۳۱</sup> که از سال ۱۹۱۸ در اتحاد شوروی رایج شد، حرف می‌زند و درباره «آغاز هجوم آلمان‌ها»<sup>۳۲</sup> که مورد استقبال همگان واقع شده، از رویدادهای مسکو بعد از انقلاب اکتبر سخن به میان می‌آورد. در میان خاطراتی که روزبه‌روز جلوتر می‌روند و چهره مسکو را از زبان نویسنده به تصویر می‌کشند، همانطور که از نام اثر پیداست، هیچ ردپایی و نشانی از خوش‌بینی وجود ندارد و امیدی به آینده و تغییرات بهتر نیست.

ایوان بونین برای تشریح مبسوط‌تر شرایط آن روزهای مسکو، از فلاکت سربازانی که نماد مقاومت روسیه هستند سخن به میان می‌آورد: «افسر جوانی که از خجالت سرخ‌شده بود، وارد واگن تراموا شد و گفت که "متأسفانه، نمی‌تواند پولی بابت بلیت بپردازد"» (بونین، ۲۰۰۴، ترجمه یحیی‌پور و محبوب‌زاده، ۱۴۰۰، ص. ۲۷).

«به گفته د. در سیمفراپول<sup>۳۳</sup> "هراسی وصف‌ناپذیر" حاکم است، سربازان و کارگران "تا زانو در خون راه می‌روند". یک سرهنگ ارشد پیر را زنده‌زنده در لوکوموتیو سوزاندند» (همان، ص. ۲۸).

نویسنده از زبان یک کارگر چنین می‌نویسد:

خدا می‌داند. ما ملت جاهلی هستیم. چه می‌دانیم؟ چه خواهد شد؟ همان هم خواهد شد: مجرمان را از زندان‌ها آزاد می‌کنند، آن‌ها بر ما حکومت خواهند کرد، نباید آزادشان کرد، مدت‌ها پیش باید آن‌ها را با تیر سمی می‌کشتیم. تزار را از تخت پایین کشیدند، در زمان او چنین چیزهایی نبود. حالا این بلشویک‌ها را از جا تکان نمی‌دهند. مردم ضعیف شده‌اند (همان، ص. ۴۴).  
در زمان صلح فراموش می‌کنیم که جهان پر از چنین آدم‌های معلوم‌الحال است و آن‌ها در زمان صلح در زندان‌ها و تیمارستان‌ها به سر می‌برند. اما زمانی فرا می‌رسد که "مردم

مقتدر" پیروز می‌شوند. درب زندان‌ها و تیمارستان‌ها گشوده، آرشیو ادارات تحقیقاتی سوزانده و جشن باده‌گساری انقلاب شروع می‌شود (همان، ص. ۱۷۸-۱۷۹).  
 اتفاقات پس از انقلاب اکتبر روسیه و برداشت بونین از آن‌ها، در جای‌جای اثر قابل لمس است و در این میان نظرات نویسنده درباره‌ی رویدادهای پسانقلاب در پس واژگان پنهان نمانده است. او درباره‌ی ماهیت انقلاب بسیار می‌اندیشید و انقلابیون را با اجته مقایسه می‌کرد: «اجته از لنین بهترند» (همان، ص. ۵۱). البته تصویر لنین در سراسر اثر نفرت‌انگیز است. نویسنده با صفات و القاب به شدت منفی، رهبر بلشویک‌ها را موردخطاب قرار می‌دهد: «بی‌ارزش»، «کلاهدار»، «آه، چه حیوانی ست! ...» (همان).

بخش دوم روزهای/هریمنی «اودسا، سال ۱۹۱۹» نام دارد. شروع این دوره از ۱۲ آوریل ۱۹۱۹ با جمله‌ای پر از ناامیدی همراه است: حدوداً سه هفته از مرگمان گذشته است و هرکس به خاطر یک بحث ساده دست‌به‌یقه دیگری می‌شود.

نویسنده در بخش اودسا هم افکار پیشینش را تکرار می‌کند و انقلابیون را شیاطین می‌نامد و از اینکه عده‌ای بدون درک واقعیت در پی اجرای خواسته‌های انقلابیون هستند، در تعجب است. از نظر نویسنده «شیطان خشم قابیلی، خون‌خواهی و بی‌رحمانه‌ترین خشونت، درست در همان روزهایی که برادری، برابری و آزادی اعلام شد، روسیه را درنوردیدند» (همان، ص. ۶۸).  
 رویدادهای وقوع انقلاب و پس از آن، بر پیکر شکسته و افکار پریشان و غمگین بونین سیلی می‌نواخت، «حتی والاترین ایمان زندگی، یعنی ارتودوکس هم منجی او نبود. این امر زمانی مشهود است که او مشوش است و مراسم خاک‌سپاری در کلیسا را توصیف می‌کند» (Моторин, 2015, с. 60).

ایوان بونین در مواردی از مردم روسیه کاملاً قطع امید می‌کند. او مردم روسیه را به دو دسته تقسیم کرده است: بر عده‌ای از آن‌ها، «روس» غلبه کرده و بر عده‌ای دیگر (طبق گفته خود او)، چود<sup>۳۴</sup>. اما ویژگی مشترک هر دو: تغییرات وحشتناک خلق و خو، ظواهر و «تزلزل» است.  
 مردم درباره‌ی خود می‌گویند که «چوب دوسر طلا» هستند، همه‌چیز به شرایط بستگی دارد. «از ما، مانند درخت، هم چماق می‌سازند و هم تمثال». پرورش‌دهنده این درخت هر کسی می‌خواهد باشد: «سرگئی رادنژسکی<sup>۳۵</sup> یا ایملکا پوگاچف<sup>۳۶</sup>» (بونین، ۲۰۰۴، ترجمه یحیی پور و محبوب‌زاده، ۱۴۰۰، ص. ۸۳).



بونین خاطر نشان می‌کند که مردم با عوض شدن رنگ شهر، خود نیز تغییر رنگ می‌دهند: «به محض اینکه شهر رنگ «سرخ» به خودش بگیرد، مردم نیز در خیابان‌ها تغییر رنگ می‌دهند، افرادی پدیدار می‌شوند که ظاهرشان نشانی از سادگی و روزمرگی ندارد و تقریباً همه آن‌ها از حماقت شیطانی خود که در همه تأثیر گذاشته، وحشت دارند.» (و اینکه چطور بسیاری از احق‌ها متقاعد شدند که در تاریخ روسیه، "تغییر" بزرگی رخ داد و کاملاً جدید و بی‌سابقه است!) (همان، ص. ۷۹).

ایوان بونین در ادبیات روسی و جهان با عنوان‌هایی مانند «هنرمند - فیلسوف»، «هنرمند - زیباشناس»، «هنرمند - نویسنده»، «هنرمند - واژه»، «هنرمند - شاعر» و نیز «نویسنده - رئالیست» شناخته شده است. اما «او خود را رئالیست نمی‌داند. در نامه‌ای به ل.د. رژفسکی<sup>۳۷</sup> نوشت: نامیدن من به عنوان رئالیست، یعنی نشناختن من به عنوان هنرمند است» (Колобаева, 2000, c. 52). هنرمند بودن او در انتخاب واژه‌ها در *روزهای/هریمنی* مشهود است.

## ۶. زبان اثر

یکی از مباحثی که در *روزهای/هریمنی* لازم است به آن پرداخته شود، زبان انقلاب و همچنین سرنوشت و وضعیت زبان و ادبیات روسی است که متأثر از حوادث دوره پساانقلاب است.

فراوانی واژه‌های روسی در *روزهای/هریمنی* حکایت از غنی بودن زبان ایوان بونین دارد که بسیار حیرت‌انگیز است: «زبان بونین غنی‌ترین زبان از نظر تعدد واژه‌هاست، زبان نفیس، ظریف، موسیقایی و زبان خون‌گرم کلام مردمی است» (Ильинский, 2009, c. 21). با وجود اینکه قهرمانان *روزهای/هریمنی* از سنین و اقشار گوناگون جامعه هستند، اما بونین با مهارتی شگفت‌انگیز از سخنان آن‌ها در متن اثر آورده است. همین امر سبب شده تا خواننده در افکار و اندیشه‌های متفاوت و متنوع سیر کند و هنگام خواندن آن، احساس کند که خود شاهد رویدادهاست. از سویی، گاه خود را مخاطب نویسنده می‌بیند، از سوی دیگر گاهی نیز شاهد گفت‌وگوی دیگران است، که همه این عوامل سبب شده است تا از یکنواختی روایت‌گونه ماجرا و کسل‌کنندگی آن، برای او کاسته شود.

به‌کارگیری واژه‌هایی توسط بلشویک‌ها و دیگران که در زبان روسی رایج نبوده، برای نویسنده آزاردهنده بودند. برای او «ژارگون بلشویکی واقعاً غیرقابل تحمل است» (بونین، ۲۰۰۴، ترجمه یحیی پور و محبوب‌زاده، ۱۴۰۰، ص. ۹۱).

بونین در *روزهای اهریمنی* به‌میزان قابل‌توجهی واژه و عبارات را مورب نوشته است، به‌ویژه در جاهایی که راوی از زبان هنجارشکن بلشویک‌ها سخن می‌گوید ( Пономарёв, 2019, c. 200).

دانیل رینیکر می‌نویسد که:

پژوهشگران از ویژگی‌های بارز زبان زمان انقلاب را، فراوانی واژه‌ها و اصطلاحات وام‌گرفته شده، تنوع و وفور اختصارات می‌دانند. واژه‌های نامفهوم، توهین‌آمیز و رکیک از یک‌سو، و از سوی دیگر واژگان باسطح عالی و قدیمی با کمال بلاغت و قرابت آهنگین که نزدیک به گفتار سخنوری است، در متن اثر مشاهده می‌شود. معاصران زیادی از بی‌سوادی عمومی شکایت داشتند (این در وهله نخست به زبان روزنامه‌ها برمی‌گشت) ... بونین در مناظره و جدال با زبان انقلاب متوقف نمی‌شود. برای او مهم بود تا نشان دهد که زبان انقلاب از کجا نشئت می‌گیرد و از چه منبعی تغذیه می‌کند: «ژارگون بلشویکی کاملاً غیرقابل تحمل است. ...» (Риникер, 2001, Сс. 14-15, 16).

*روزهای اهریمنی* این امکان را می‌دهد تا به‌کمک تجزیه و تحلیل واژگان، ویژگی‌های درک شخص نویسنده و همچنین شناخت سرنوشت او را بازسازی کرد. از این نظر، بررسی ویژگی‌های واژگانی - معناشناسی *روزهای اهریمنی* ایوان بونین بسیار جالب توجه است. همانطور که ذکر شد، اثر بیانگر درک نویسنده از سال‌های نخست انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ است. زمان حال و آینده منفی، نامشخص، نومیدانه و وحشتناک توصیف می‌شود که با به‌کارگیری ضمایر مبهم بیان می‌شود: «اما در ادامه چه خواهد شد؟ شاید چیز بدتری اتفاق بیفتد» (بونین، ۲۰۰۴، ترجمه یحیی پور و محبوب‌زاده، ۱۴۰۰، ص. ۲۱).

ارزیابی واضح و صریح، عاطفی و توصیفی، از مشخصه‌های ساختار واژگانی *روزهای اهریمنی* بونین است. از میان واژگان ارزیابی، تعدد واژگان تحقیرکننده غالب است: «این سال لعنتی به اتمام رسید» (همان).

بونین در *روزهای اهریمنی* به‌کمک مستندات عملی مخالفت دیرین «خودی» در مقابل دیگری» را که برای جهان‌بینی روسی حائز اهمیت است، نشان می‌دهد. این کهن‌الگو به‌منزله

اصل شکل‌گیری فضای مفهومی متن موردتحلیل عمل می‌کند. هر آنچه را که مرتبط با تحولات انقلاب است، بونین آن را کرونوتوپ (زمانی - مکانی) بیگانه می‌انگارد، و منفی ارزیابی می‌کند. از نظر بونین تبدیل تقویم میلادی قدیم (گاه‌شمار ژولینی) به میلادی جدید (گاه‌شمار گریگوری) هم بیگانه است. از این منظر شکل محاوره‌ی ضمیر «آن‌ها» از مشخصه‌های متن است: به‌کار بردن *uxhuiu* به‌جای *ux* (همان، ص. ۲۲) که مؤکد نگاه تحقیرآمیز به حکومت جدید و بیگانگی آن با قهرمان لیریک اثر است.

در روزهای اهریمنی فضای خودی در مقابل دیگری قرار می‌گیرد. در اثر، دنیای خودی مظهر معنویت، روشنی، آرامش و نظم نشان داده می‌شود که مانند روئانی در زندگی واقعی ظاهر می‌شود. «مراسم نیایش در خانه‌ی مقابل ما در حال برگزاری است، شمایل "شادی غیرمنتظره"<sup>۲۸</sup> مریم مقدس را آوردند و کشیشان دعا می‌خوانند» (همان، ص. ۴۴).

تصاویر کرونوتوپ خودی، بر اساس اصل تقابل با کرونوتوپ بیگانه نمایش داده می‌شوند:

از مسکو بروید گم شوید! و جای تأسف است. هنگام روز به‌طور عجیبی نفرت‌انگیز است. هوا مرطوب، همه‌چیز مرطوب و کثیف است، در پیاده‌روها گودال‌های آسفالت و چاله‌چوله‌های یخی است؛ درباره‌ی مردم هم که چیزی برای گفتن نیست. هنگام غروب و شب خلوت است، آسمان از فانوس‌های اندک، کسل‌کننده و گرفته به‌تاریکی می‌زند، اما این کوچه آرام و کاملاً تاریک است. هنگام راه رفتن، ناگهان دروازه‌های بازی که پشت آن‌ها، در عمق حیاط، سایه‌ی زیبای خانه‌ی قدیمی که اندکی در آسمان شب به‌تاریکی می‌زند؛ آسمانی که اینجا متفاوت از آسمان خیابان است و جلوی خانه درختی صدساله با نقش‌ونگار سیاه شاخ و برگ‌های پهن و گسترده را می‌بینی... (همان، ص. ۵۰).

تقریباً سه هفته از روز نابودیمان می‌گذرد ... بندری مرده و خالی، شهری مرده و کثیف ... فرزندان و نوه‌هایمان در شرایطی نیستند که حتی بتوانند روسیه‌ای را که ما زمانی (یعنی دیروز) در آن زندگی می‌کردیم، روسیه‌ای که ما برای آن ارزشی قائل نبودیم و تمام این قدرت، پیچیدگی، ثروت و خوشبختی‌اش را درک نکردیم، برای خود تصور کنند (همان، ص. ۶۷).

هنگام ترسیم تصاویری از فضای بیگانه و انقلابی، توجه بونین به جنبه‌های گوناگون معطوف و متمرکز می‌شود. اولین جنبه‌ی آن شخصیت افراد جدید و انقلابی است. نویسنده ضمن اینکه لنین، رهبر انقلاب اکتبر را با حیوان یکسان می‌داند، او را بی‌حدوحصر منفی ارزیابی می‌کند:

«آه، چه حیوانی ست!» (همان، ص. ۵۱)، بونین کارکنان نوکرسفت دولت جدید را هم میمون می‌نامد: «میمون‌های لعنتی خشمگینانه با تکان دادن چماقشان اتاق‌های تمام خانه‌های شهر را اندازه می‌گیرند» (همان، ص. ۱۱۰).

بلشویک‌های معمولی مورد تحقیر واقع می‌شوند. بونین به بی‌سوادی و بی‌نزاکتی آن‌ها تأکید دارد. «در سیواستوپل "آتامان" <sup>۳۹</sup> ملوانان ریوکین <sup>۴۰</sup> نامی، با قد یک آرشین <sup>۴۱</sup> و ریش‌های تکه‌تکه، در بسیاری از قتل‌ها و سرقت‌ها دست داشته، "انسانی با لطیف‌ترین روح"» (همان، ص. ۴۵).

استفاده از عبارت «انسانی با لطیف‌ترین روح» به معنای متضاد، نشان‌دهنده کنایه، طعنه و طنز نویسنده و همچنین عدم تمایل به قرارگرفتن در کنار بلشویک‌هاست. توصیف چهره «فرد غریبه» برای نویسنده مهم است. «جرم» در این جنبه از معانی توصیف‌کننده، ریزمعناهای تکراری محسوب می‌شود:

دوباره نوعی تظاهرات، آگهی، پوستر، موسیقی یکی در جنگل، یکی روی هیزم‌ها، در صداها  
 گلو این شعار پیچیده: برخیزید، به پا خیزید، مردم کارگر!

صداها خفه و وحشیانه هستند. چهره زنان چوواشی <sup>۴۲</sup> و موردوفی <sup>۴۳</sup>، چهره مردها انگار که دستچین شده باشد، جنایت‌آمیز و درست برخی کاملاً ساخالینی هستند.

رومی‌ها روی صورت محکومان خود نشانه می‌گذاشتند: "Cave furem" («از دزد برحذر باشید»). روی این چهره‌ها هیچ چیز نباید گذاشته شود، همه چیز بدون هیچ نشانه‌ای واضح است (همان، ص. ۴۶). «گالری وحشتناکی از محکومین!» (همان، ص. ۶۰).

از مطالب فوق نتیجه می‌گیریم که درک حقایق انقلابی (کرونوتوپ بیگانه)، توسط نویسنده در روزهای اهریمنی منوط به درک اصول زیبایی‌شناسی است. همانطور که لف تالستوی گفته است: «زیبایی، دیهیم نیکی است»، بونین نیز در آثار خود مهر تأییدی بر ارزش‌های ابدی، یعنی نیکی و زیبایی زده است (Mуромцева-Бунина, 2007, c. 13).

دومین جنبه قابل تأمل، ساختار زندگی جدید است. سلطه‌گری معنایی در اینجا تخریب، فساد اخلاقی، هرج و مرج، فقر، حقارت است. بونین برای بیان این معانی از واژگان: растление, унижение, шабаш, балаган, издевательство استفاده می‌کند:

«میلیون‌ها نفر از مردم روسیه فساد و تحقیر این سال‌ها را تحمل کردند» (بونین، ۲۰۰۴، ترجمه یحیی پور و محبوب‌زاده، ۱۴۰۰، ص. ۱۴۳).

انعکاس نمادهای انقلاب (پرچم‌های قرمز) در آب، برای نویسنده تداعی‌گر روده‌های خون است: «روی آسفالت خیس آغشته به خون لخته انعکاسی از پرچم‌های سرخ دیده می‌شود که به دلیل باران آویخته و به شدت نفرت‌انگیز به نظر می‌رسد» (همان، ص. ۷۵).

واقعیت‌های زندگی پس از انقلاب مانند صرفه‌جویی در مصرف روشنایی توسط قهرمان لیریک به‌منزله غوطه‌وری در تاریکی غیراخلاقی درک می‌شود: «اکنون تمامی خانه‌ها تاریک‌اند، همه شهر در تاریکی فرورفته» (همان، ص. ۷۷).

از نظر بونین در زندگی جدید هیچ‌چیز واقعی وجود ندارد، هر آنچه اتفاق می‌افتد، تقلیدی است: «تقلیدی دیوانه‌وار از قشر جدید، رتبه جدید و حتی سبک زندگی صورت می‌گرفت» (همان، ص. ۹۷).

مترادف‌های متنی فضای ایدئولوژیکی آن دوره را منتقل می‌کنند:

هذیان، دروغ، خوداحق‌پنداری: «آدم سرکش هذیان زیاد می‌گوید و تو با شنیدن به این هذیان در طول روز به آن آدم شدیداً ایمان می‌آوری و به مزخرفات مسری او مبتلا می‌شوی. در غیر این صورت، به‌نظر می‌رسد یک هفته هم دوام نمی‌آوری. هر روز تا نزدیکی‌های شب این خودفریبی به قدرت خاصی می‌رسد» (همان، صص. ۸۰).

سومین جنبه، واکنش فرهنگی به رویدادهاست. سرنوشت زبان و ادبیات روسیه بونین را نگران کرده است. از نکته‌های مهمی که بونین به آن اشاره می‌کند، پذیرش و عدم پذیرش انقلاب توسط روشنفکران و به‌ویژه نویسندگان است. برخی از روشنفکران مانند گورکی<sup>۴۴</sup>، بریوسف<sup>۴۵</sup>، بلوک<sup>۴۶</sup>، مایاکوفسکی<sup>۴۷</sup>، برخلاف بونین، با انقلاب اکتبر همراه شدند و در راستای ستایش آن، آثاری نوشتند. بونین در روزهای *اهریمنی* از نویسندگان روشنفکر آن دوره به دلیل اینکه چپ‌دوآتشه شده بودند و زبان روسی را به انحطاط کشیده بودند، بسیار گله‌مند است: «تمام روسیه، زندگی روسی و زبان روسی به این "هنجارشکنی" کثیف و اینترناسیونالی تبدیل می‌شود و آیا امکان دارد یک روز از زیر بار این هنجارشکنی خارج شد؟ و سپس این ادبیات هنجارشکن تقریباً خویشاوندی خونی با تمام ادبیات "جدید" دارد»

(همان، صص. ۱۳۷). از نظر او «زبان از بین می‌رود» (همان، ص. ۱۳۹) بونین علاوه بر توصیف ظاهر و رفتار شاعران و نویسندگان آن دوره، آثارشان را نیز مورد نقد قرار می‌دهد. نویسنده آن‌ها را بی‌قریحه یا خائن می‌پندارد و گاهی نبوغ آن‌ها را مورد تمسخر قرار می‌دهد، چراکه علت این شهرت را وابستگی آن‌ها به رژیم می‌داند:

«دانشجویانی که آثار گورکی و آندریف<sup>۴۸</sup> را می‌خوانند، صادقانه معتقدند نمی‌توانند عمق آن‌ها را درک کنند. مقدمهٔ *آنتیما*<sup>۴۹</sup> / *بلیس* را خواندم، کاملاً مزخرف است. این بریوسف‌ها و بیلی‌ها<sup>۵۰</sup> چه در سرشان دارند؟» (همان، ص. ۱۰۷).

او معتقد است که ادبیات کوچه‌بازاری (انقلابی) فاسد است، چراکه در ستایش خود افراط می‌کند:

«اکنون در ادبیات روسی فقط "نوابغ" هستند. محصول شگفت‌انگیز! بریوسف نابغه، گورکی نابغه، ایگور سوریانین<sup>۵۱</sup> نابغه، بلوک، بیلی ... چگونه می‌توان آرام شد، وقتی این‌قدر آسان و سریع می‌شود به نابغگی پرش کرد؟ و هر کس تلاش می‌کند جلو برود، مبهوت و جلب توجه کند» (همان، ص. ۹۶).

بونین حامیان ادبی انقلاب را با تأکید بر واژهٔ رذالت و سقوط، ارزیابی اخلاقی می‌کند: «افول ادبیات نوین، به نظر می‌رسد پایین‌تر از آن وجود ندارد ...» (همان، ص. ۵۰). ارزیابی ادبیات در اثر *روزهای اهریمنی* با واژگان: کاذب، نفرت‌انگیز، و لفاظی نمایش داده می‌شود. او ادبیات انقلابی را ادبیاتی «هنجارشکن» توصیف می‌کند: «البته کاملاً "ادبیات هنجارشکنی" است» (همان، ص. ۱۳۷).

*روزهای اهریمنی* شیوه‌های خودشناسی و خودفهمی شخص را بیان می‌کند. بونین خود را در میان نویسندگان دوره پیشین بررسی می‌کند، به لف تالستوی<sup>۵۲</sup> استناد می‌کند، و تلاش می‌کند از نگاه الکساندر پوشکین<sup>۵۳</sup> به حوادث بنگرد: «شب‌هنگام از خیابان تور<sup>۵۴</sup> (تورسکایا)<sup>۵۵</sup> می‌گذشتیم: زیر آسمان ابری و روشن، پوشکین غم‌انگیز و متواضعانه سر را خم کرده است، دوباره می‌گوید: «خدای من، چقدر روسیهٔ من محزون است!»<sup>۵۶</sup>» (همان، ص. ۵۲).

## ۷. زبان روزنامه‌ها

زبان روزنامه‌ها و شایعات هم بخشی از روزهای/هریمنی را به خود اختصاص داده است. زبان مطبوعات از نظر نویسنده کلاً پر از ژارگون، هشداردهنده، تهدیدکننده، ارباب‌آمیز و کسل‌کننده است. اخبار و اعلامیه‌هایی که به گونه‌ای هشدار از جانب آن‌ها تلقی می‌شود و خبر روزنامه‌ها در آن ایام حاکی از این است که همه‌چیز رو به اتمام و نابودی است:

لحن روزنامه‌ها مانند همیشه، واژه‌های قلمبه سلمبه بی‌رحمانه ژارگون، همان تهدیدها، فقط لاف‌زنی‌ها و خودستایی‌های خیلی بزرگ، همه روتین و دروغ‌های همان قدر واضح که به یک کلمه آن نمی‌توانی اعتماد کنی و کاملاً در تکه‌ای مجزا از دنیا، مانند اینکه در جزیره شیاطین زندگی می‌کنی (همان، ص. ۷۹):

«نه کارخانه‌ای، نه راه‌آهنی، نه تراموایی، نه آبی، نه نانی، نه لباسی، - هیچ چیز!» (همان، ص. ۱۰۹):

«باتوجه به کاهش بیش از حد سوخت، به‌زودی برق قطع خواهد شد» (همان):  
 زبان روزنامه‌ها خشن و پر از واژگانی است که از کشت‌وکشتار و مرگ حکایت دارد:  
 «روز گذشته به حکم دادگاه نظامی انقلاب، ۱۸ ضدانقلاب را تیرباران کردند» (همان، ص. ۱۲۱):

«در خارکف، "تصمیم اقدام‌ها اضطراری گرفته شده" - علیه چه چیزی؟ و تمامی این اقدام‌ها به یک چیز ختم می‌شود، آن هم تیرباران "در محل" است. در اودسا ۱۵ نفر دیگر تیرباران شدند» (همان، ص. ۱۶۰):

«من اخیراً درباره تیرباران این بیست و شش نفر، بسیار خواندم .... چگونه می‌شود فراموش کرد، چطور می‌توان مردم روسیه را برای این کار بخشید؟» (همان، ص. ۸۷).  
 بونین براساس شواهد خود و اخبار روزنامه‌ها معتقد است که انقلابیون «حاضرند برای از بین بردن "گذشته ملعون"، حتی نیمی از مردم روسیه را هم بکشند» (همان، ص. ۱۰۴). او می‌افزاید که «رشته‌خواری، اخاذی، می‌خوارگی و نقض تمامی اصول قانون قدم به قدم به چشم می‌خورد ...» (همان، ص. ۱۲۷).

بنابراین، واژگان روزهای/هریمنی ترکیب‌های معنایی منفی مانند انحلال، فروپاشی، انحطاط، تخریب، ظلمت، مرگ، غیرانسانی، دروغ، مسخرگی، حماقت را منعکس می‌کند.

## ۸. واژگان توصیف‌کننده طبیعت

از دیگر نکته‌های قابل‌ذکر اینکه، بونین گاهی طبیعت را با واژگانی توصیف می‌کند که رنگ-وبوی انقلابی و منجزکننده دارد. در *روزهای اهریمنی* زبان شعر و نثر با یکدیگر آمیخته شده‌اند. در میان این حوادث ناگوار و خشن و گاهی بسیار مشمئزکننده، طبیعت گاهی هم جلوه چشمگیری دارد، چنان‌که حال‌وهوای خواننده را به‌کلی دگرگون می‌کند و حوادث ناخوشایند در پس پرده ذهن او قرار می‌گیرند. طبیعت در ذات بونین است، او نمی‌تواند بدون طبیعت، زشتی‌ها و زیبایی‌های روح انسانی را توصیف کند. طبیعت از عناصر دائمی توصیف شخصیت‌ها و وقایع، هم در نثر و هم در نظم بونین قابل‌مشاهده است. او که به ریشه اشرفی خود می‌بالد، به‌سختی می‌تواند نابودی روسیه و هر آنچه را در آن موجود است بپذیرد، چراکه «فرهنگ اصیل املاک اشرفی و طبیعت روسیه مرکزی بر شکل‌گیری استعداد هنری بونین اثر گذاشته بود» (Манчук, 2013, c. 23).

نمنم باران شروع به باریدن کرد. ابرها در بلندای آسمان مشاهده می‌شوند، خورشید می‌درخشد، پرندگان در حیاط روی افاق‌های روشن سبز متمایل به زرد، به زیبایی نغمه می‌خوانند. برشی از افکار و خاطرات درباره چیزهایی که مطمئناً هرگز باز نخواهند گشت ... جنگل کوچک پاکانویه را به یاد آوردم؛ جنگل دورافتاده، انبوه درختان توس، چمن و گل‌هایی که تا کمر قد کشیده بودند و باری چنین نمنم بارانی روی آن‌ها می‌بارید و من عطر توس، مزرعه، بوی نان شیرین و تمام تمام زیبایی‌های روسیه را استشمام کردم ... (همان، ص. ۱۴۸):

«تکه‌ای از ماه، تماماً طلایی‌رنگ به‌روشنی میان شاخه جوان درختان، زیر پنجره در آسمان غربی پاک، ملایم و همچنان درخشان می‌تابد»؛ «آسمان فیروزه‌ای در میان شاخ و برگ‌های درختان پیداست» (همان، ص. ۵۹، ۸۸).

بونین با خلق آثاری چون *روزهای اهریمنی* استعداد درخشان سرزمین مادری خود را به عرصه ظهور گذاشت. آت. تواردوفسکی<sup>۷</sup> (۱۹۱۰-۱۹۷۱) شاعر سده بیستم روسیه معتقد است «کم‌تر کسی مانند او استعداد درخشان خود را مدیون سرزمینش می‌داند و کم‌تر کسی مانند او این چنین وابسته به وطن خویش است. قلب او تا حد درد، برای میهنش می‌تپید» (Гвардовский, 1965, c. 11).



از این استعداد درخشان، درک زیبایی و درداندوه، ساشا چورنی در شعر اهدایی‌اش در سال ۱۹۲۰ به بونین «به پاس خدمت باعزت به زیبایی»، «به خاطر نغمه‌های دقیق» و «اوج معنویت» سخن می‌گوید:

«سپاس گویم شما را به خاطر نغمه‌های دقیق  
به پاس خدمت باعزت به زیبایی ...  
در چنگال خشم رو به رشد و لاعلاج

حالا چه سرد و خلوت است، در اوج معنویت!» (Минаев, 2018, c. 180).

در کنار این طبیعت روح‌انگیز، خواننده با طوفان، رعدوبرق، برف زمستان سرد هم مواجهه است که با رویدادهای پس‌انقلاب اکتبر همسوست و آرامش زندگی گذشته با این طوفان‌ها دست‌وپنجه نرم می‌کنند. زمانی که قهرمان لیریک اندوهگین است، احساس می‌کند که آسمان هم رنگ خاکستری است و واژه‌ها سرد و غمگین‌اند: «آسمان از ابتدای صبح خاکستری است، بعد از ظهر باران بود و شب هم رگبار» (بونین، ۲۰۰۴، ترجمه یحیی‌پور و محبوب‌زاده، ۱۴۰۰، ص. ۷۴). انتخاب مکان قرارگیری چریزویچایکا و توصیف انعکاس پرچم سرخ روی آسفالت خیس آغشته به خون مقابل آن بی‌دلیل نیست: «درمقابل مجسمه، چریزویچایکا قرار دارد، روی آسفالت خیس آغشته به خون لخته انعکاسی از پرچم‌های سرخ دیده می‌شود که به دلیل باران آویخته و به شدت نفرت‌انگیز به نظر می‌رسد» (همان، ص. ۷۵).

نویسنده با توصیف وضع ظاهری ارتش سرخ، اعدام و تیرباران‌های مکرر و اوضاع رو به وخامت کشور، به امید خود برای بازگشت روسیه به دوران اوج و شکوفایی گذشته، پایان می‌دهد.

## ۹. نتیجه

با بررسی روزهای اهریمنی به این نتیجه می‌رسیم که ایده اصلی نویسنده در آن، مخالفت با هرگونه خشونت و بی‌عدالتی است. برای نویسنده فرقی نمی‌کند خشونت از جانب «خودی» است یا «دیگری». از نظر او خشونت به هر شکلی، در هر صورت محکوم است. از طرف دیگر حفظ ارزش‌های سنتی، انسانی - فرهنگی، زبان و ادبیات ملت روسیه (خودی) برای او بسیار حائز اهمیت است. از نظر ایوان بونین مردم روسیه بی‌آنکه متوجه باشند توسط سران

کمونیست به بازی گرفته شدند و شادی‌های احساسی روزهای پساانقلاب در واقع گذرا بوده و آن‌ها همانطور که نویسنده در یکی از اشعارش اشاره می‌کند، به عبارتی «شادمانه» با دستان خود زیباترین داشته‌های خود یعنی سنت، کرامت انسانی، زبان و ادبیات خود را به‌گور سپردند: «شوخی شوخی، شادمانه در تابوت مرگمان خزیدیم». او نتیجه انقلاب اکتبر را نابودی دین، فرهنگ، فضایل اخلاقی، ناهنجاری‌های اجتماعی، از بین رفتن زبان مردمی که، پوششکین‌ها و لف تالستوی‌ها را به مردم روسیه اهدا کردند، می‌داند. نویسنده روزهای اهریمنی خود را به‌منزله فردی بیگانه در تحولات انقلاب، یک روشنفکر، پیرو سنت، روسیه قدیمی، به‌اهدنده زیبایی و مدافع فرهنگ قلمداد می‌کند.

از این رو، واژگان روزهای اهریمنی بونین را می‌توان به دو گروه خودی (غیرانقلابی) و بیگانه (انقلابی) تفکیک کرد. واژگان گروه خودی مظهر معنویت، شفافیت، آرامش و نظم است، ولی واژگان گروه بیگانه دارای ترکیب‌های معنایی منفی، مانند: نفرین‌شده، رشوه‌خواری، اخاذی، میخوارگی، انحلال، سقوط، مرگ، نابودی، قانون‌شکنی، تاریکی، کذب، مسخرگی، حماقت و غیره هستند.

## ۱۰. پی‌نوشت‌ها

- 1 Иван Алексеевич Бунин (Ivan Alekseevich Bunin)
- 2 «Жизнь Арсеньева» («Zhizn Arseneveva»)
- 3 «Окаянные дни» («Okajannye dni»)
- 4 Кочетов В.П. (Kochetov V.P.)
- 5 Михайлов О.Н. (Mihajlov O.N.)
- 6 Ильинский И.М. (Il'inskij I.M.)
- 7 Морозов С.Н. (Morozov S.N.)
- 8 Бакунцев А. В. (Bakuncev A. V.)
- 9 Пономарёв Е.Р. (Ponomarjov E.R.)
- 10 «Возрождение» («Vozrozhdenie»)
- 11 Petropolis
- 12 Каплан (Kaplan)
- 13 Роман Борисович Гуль (Roman Borisovich Gul')
- 14 «Я унёс Россию» («Ja unjos Rossiju»)

رامان گول (۱۸۹۶-۱۹۸۶) نویسنده، خبرنگار، نویسنده سیاسی - اجتماعی، سردبیر، ناشر، مورخ، منتقد، سرگذشت‌نامه‌نویس و فعال اجتماعی سده بیستم روسیه بود. بعد از انقلاب در جنگ داخلی روسیه، عضو ارتش سفید بود. بعدها به آمریکا مهاجرت کرد و در دانشگاه‌های آمریکا تدریس می‌کرد.

- 15 Саша Чёрный (Sasha Chjornyj)
- 16 «Русские ведомости» («Russkie vedomosti»)
 

روزنامه اجتماعی سیاسی روسیه که از ۱۸۶۳ تا مارس ۱۹۱۸ در مسکو منتشر می‌شد.
- 17 «Власть Народа» («Vlast' Naroda»)
- 18 «Русская Мысль» («Russkaja Mysl'»)
- 19 «Известия» («Izvestija»)
- 20 Одесса (Odessa)
- 21 Крыжицкий С. (Kryzhickij S.)
- 22 Примочкина Н.Н. (Primochkina N.N.)
- 23 Мальцев Ю.В. (Mal'cev Ju.V.)
- 24 Эберт К. (Jebert K.)
- 25 Ошар К. (Oshar K.)
- 26 Георгиевский А.С. (Georgievskij A.S.)
- 27 Клинг О. (Kling O.)
- 28 Хёнцш Ф. (Hjonchsh F.)
- 29 Риникер Д. (Riniker D.)
- 30 Старый стиль (Staryj stil')
 

در روسیه پیش از انقلاب اکتبر و تا سال ۱۹۱۸ تقویم میلادی قدیم رایج بود. نویسنده باتوجه به مخالفتش با انقلاب اکتبر، تاریخ‌ها را در روزهای /هریمنی بر اساس گاه‌شمار ژولینی آورده است.
- 31 Новый стиль (Novyj stil)
- 32 منظور از «هجوم آلمان‌ها»، اشاره است به کارشکنی و خرابکاری دولتمردان آلمانی علیه تزار روسیه و کمک آن‌ها به لنین برای انتقالش از سوئیس به پیتراگرا.
- 33 Симферополь (Simferopol')
- 34 Чудь (Chud')
 

نام قدیمی تعدادی از قبایل و ملل که به‌طور معمول از گروه فنلاندی - پریبالتسکی و جامعه فنلاندی - اوگورسکی بودند.
- 35 Сергей Радонежский (Sergij Radonezhskij)
 

اشاره است به سرگئی رادنژسکی، راهب اعظم روس کهن که بنیانگذار صومعه‌های بسیاری در روسیه قدیم بود. او در ارتقای معنوی مردم روسیه نقش بزرگی داشت.
- 36 Емелька Пугачёв (Emel'ka Pugachev)
 

ایملکا پوگاچف یا همان ایمیلیان ایوانوویچ پوگاچف (۱۷۷۵-۱۷۷۵)، رهبر جنبش دهقانان روسیه طی سال‌های ۱۷۷۳ تا ۱۷۷۵ بود.
- 37 Ржевский Л. (Rzhevskij L.)
 

ل.د. رژفسکی (۱۹۰۳-۱۹۸۶)، نویسنده و منتقد ادبی روسیه است که در سال ۱۹۴۴ پس از پایان جنگ جهانی دوم ابتدا در آلمان و سپس سال ۱۹۶۳ به آمریکا مهاجرت کرد و از نویسندگان دور دوم

مهاجرت است.

38 «Нечаянная Радость» («Nechajannaja Radost'»)

39 «атаман» («ataman»)

عنوان اوکراینی که برای رهبران و سرکردگان نیروهای قزاق در امپراتوری روسیه به‌کار می‌رفت. اصل کلمه ترکی و به‌معنای رئیس و سرکرده است.

40 Ривкин (Rivkin)

41 Аршин (arshin)

واحد قدیمی سنجش طول روسی معادل ۳۵.۵ سانتی‌متر.

42 Чувашские (chuvashskie)

یکی از قوم‌های ترک‌تبار ساکن منطقه ولگا سیبری که امروزه ساکن جمهوری خودمختار چواشستان هستند.

۴۳ . Мордовские (mordovskie): یکی از جمهوری‌های روسیه که پایتخت آن سارانسک است.

44 Горький М. (Gor'kij M.)

45 Брюсов В.Я. (Bryusov V.Ja.)

46 Блок А.А. (Blok A.A.)

47 Маяковский В.В. (Majakovskij V.V.)

48 Андреев Л.Н. (Andreev L.N.)

۴۹ «Анатэма» («Anatjema»): اثری از لئونید آندریف.

50 Андрей Белый (Andrej Belyj)

51 Игорь Северянин (Igor' Severjanin)

52 Толстой Л. (Tolstoj L.)

53 Пушкин А. (Pushkin A.)

54 Тверь (Tver')

55 Тверская (Tverskaja)

56 «Боже, как грустна моя Россия!»

این عبارت اشاره دارد به زمزمه پوشکین، پس از آنکه گوگل «نفوس مرده» خود را برای او خواند. اصل عبارت:

«Хдаи мн, чقدر روسие ма محزون است!» («Боже, как грустна наша Россия!»)

57 Твардовский А.Т. (Tvardofski A.T.)

## ۱۱. منابع

- بونین، ای. (۲۰۰۴). *روزهای اهریمنی*. ترجمه م. یحیی‌پور و س. محبوب‌زاده (۱۴۰۰). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- علوی، ب. (۱۳۷۷). روایت. تهران: نگاه.
- یحیی‌پور، م. (۱۳۹۹). *ایوان بونین و مشرق‌زمین*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- Бакунцев, А.В. (2013). "Окаянные дни": особенности работы И.А. Бунина с фактическим материалом // Вестник Московского университета. Серия 10. Журналистика. №4. С. 22-36.
- Гуль, Р. (1981). *Я унёс Россию: Апология эмиграции: в 3 т., Т. I.*, Нью-Йорк: Мост, 1981—1989.
- Ильинский, И.М. (2009). *О Бунине: статьи, интервью, выступления*, М.: Изд-во Моск. гуманит. ун-та., — 94 с.
- Колобаева, Л.А. (2000). *Проза И.А.Бунина: В помощь преподавателям*, М.: Изд-во МГУ.
- Манчук, Г. (2013). *Образы дворянских усадеб в творчестве И.А. Бунина как духовные очаги русской культуры. Исследовательский Журнал Русского Языка и Литературы*, 1(2), 23-38. извлечено от <http://www.journaliarll.ir/index.php/iarll/article/view/article-1-30-en.html>.
- Минаев, Д.М. (2017). (составитель-редактор), *Вестник Бунинского общества России // Поэзия бунинианы*, выпуск № 3. С. 138-180, М.: Бунинское общество России.
- Морозов, С.Н. (2017). *История подготовки Собрания сочинений И.А. Бунина в издательстве «Петрополис»* (по материалам переписки), Литературный факт. № 5, С. 248-265.
- Моторин, А. (2015). *Духовное направление в творчестве И.А. Бунина. Исследовательский Журнал Русского Языка и Литературы*, 3(1), 55-75. извлечено от <http://www.journaliarll.ir/index.php/iarll/article/view/99>.
- Муромцева-Бунина, В.Н. (2007). *Жизнь Бунина. Беседы с памятью / Вера Муромцева-Бунина; вступ. Ст., примеч. А.К. Бабореко* — М.: Изд-во «Вагриус», — 512 с.; ил.

- Пономарёв, Е.Р. (2019). «Окаянные дни» И.А. Бунина: История текста // Русская литература. № 3. С. 196-210.
- Риникер, Даниэль (2001). «Окаянные дни» как часть творческого наследия И. А. Бунина, с. 1-26// Иван Бунин. PRO et Contra. СПб., 629 с.
- Твардовский, А.Т. (1965). О Бунине// Бунин И.А. Собр. соч.: В 9-ти т., т. 1, Москва,.
- Яхьяпур, Марзие (Yahyapour Marzieh), Махбубзадех Сара, Токарев Григорий Валериевич, Тема родины в «Окаянных днях» И.А. Бунина и «Чудесе в решете» Мохаммада-Али Джамальзаде// «Гуманитарные исследования», Астрахань (Россия), 2017, № 3 (63). С. 136-141.

#### References

- Alavi, B. (1998). *Narration*. Tehran: Negah .[In Persian]
- Bakuncev, A.V. (2013). "Okajannye dni": osobennosti raboty I.A. Bunina s fakticheskim materialom // Vestnik Moskovskogo universiteta. Serija 10. Zhurnalistika . №4. S. 22-36. [In Russian].
- Bunin, I.A. (2004). *Okajannye dni* // In translation: Yahyapour, Marzieh and Sara Mahboobzadeh (2020), "Cursed Days", University of Tehran Press, Tehran, Iran. [In Persian]
- Gul', R. (1981). *Ja unjos Rossiju: Apologija jemigracii: v 3 t., T. I.*, N'ju-Jork: Most, 1981—1989. [In Russian]
- Il'inskij, I.M. (2009). *O Bunine: stat'i, interv'ju, vystuplenija*, M.: Izd vo Mosk. gumanit. un ta., — 94 s. [In Russian]
- Kolobaeva, L.A. (2000). *Proza I.A.Bunina: V pomoshh' prepodavateljam*, M.: Izd-vo MGU., [In Russian]
- Manchuk, G. (2013). *Obrazy dvorjanskih usadeb v tvorchestve I.A. Bunina kak duhovnye ochagi russkoj kul'tury*. Issledovatel'skij Zhurnal Russkogo Jazyka i Literatury, 1(2), 23-38. izvlecheno ot <http://www.journaliarll.ir>

</index.php/iarll/article/view/article-1-30-en.html>. [In Russian]

- Minaev, D.M. (2017). (sostavitel'-redaktor), *Vestnik Buninskogo obshhestva Rossii // Pojezija buniniany*, vypusk № 3. S. 138-180, M.: Buninskoe obshhestvo Rossii. [In Russian]
- Morozov, S.N. (2017). *Istorija podgotovki Sobranija sochinenij I.A. Bunina v izdatel'stve «Petropolis»* (po materialam perepiski), Literaturnyj fakt. № 5, S. 248-265. [In Russian]
- Motorin, A. (2015). *Duhovnoe napravlenie v tvorcestve I.A. Bunina*. Issledovatel'skij Zhurnal Russkogo Jazyka i Literatury, 3(1), 55-75. izvlecheno ot <http://www.journaliarll.ir/index.php/iarll/article/view/99>. [In Russian]
- Muromceva-Bunina, V.N. (2007). *Zhizn' Bunina. Besedy s pamjat'ju / Vera Muromceva-Bunina; vstup. St., primech. A.K. Baboreko — M.: Izd vo «Vagrius», — 512 s.; il.* [In Russian]
- Ponomarjov, E.R. (2019). «Okajannye dni» I.A. Bunina: Istorija teksta // Russkaja literatura. № 3. S. 196-210. [In Russian]
- Riniker, Danijel' (2001). «Okajannye dni» kak chast' tvorcheskogo nasledija I. A. Bunina, s. 1-26// Ivan Bunin. PRO et Contra. SPb., 629 s. [In Russian]
- Tvardovskij, A.T. *O Buninell* Bunin I.A. Sobr. soch.: V 9-ti t., t. 1, Moskva, 1965. [In Russian]
- Yahyapour M., Mahbubzadeh, S. & Tokarev Grigorij Valerievic (2017). *Tema rodiny v «Okajannyh dnjah» I.A. Bunina i «Chudese v reshete» Mohammada-Ali Dzhamal'zadell* «Gumanitarnye issledovanija», Astrahan' (Rossija), , 3(63). S. 136-141. [In Russian]
- Yahyapour, M. (2020), *Ivan Bonin and Mashreqzamin*. 4<sup>th</sup> edition, University of Tehran Press, Tehran, Iran [In Persian]